

التراث العربی، ۱۴۰۵ق؛ حلیة الابرار: سید هاشم البحرانی (م. ۱۱۰۷ق.)، به کوشش مولانا، قم، المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق؛ **الخصال**: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ **خصائص الائمة**: الشریف الرضی (م. ۴۰۶ق.)، به کوشش الامینی، مشهد، مجمع البحوث الاسلامی، ۱۴۰۶ق؛ **الدر المنثور**: السیوطی (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۶۵ق؛ **روح المعانی**: الأکوسی (م. ۱۲۷۰ق.)، به کوشش علی عبدالباری، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ **زاد المسیر**: ابن جوزی (م. ۵۹۷ق.)، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق؛ **سیرة المصطفی**: هاشم معروف الحسنی، قم، الرضی، ۱۳۷۱ش؛ **شرح نهج البلاغه**: ابن ابی الحدید (م. ۶۵۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ق؛ **شواهد التنزیل**: الحاکم الحسکانی (م. ۵۰۶ق.)، به کوشش محمودی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق؛ **الصحيح من سیرة النبی ﷺ**: جعفر مرتضی العاملی، بیروت، دار السیره، ۱۴۱۴ق؛ **الطبقات الكبرى**: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ **عقبات الانوار**: سید حامد حسین الکنهوی (م. ۱۳۰۶ق.)، به کوشش مولانا بروجردی، قم، محقق، ۱۴۰۴ق؛ **الغدیر**: الامینی (م. ۱۳۹۰ق.)، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ش؛ **الفضائل**: شاذان بن جبرئیل القمی (م. ۶۶۰ق.)، نجف، المکتبة الحیدریه، ۱۳۸۱ق؛ **کشف الاسرار**: میبدی (م. ۵۲۰ق.)، به کوشش حکمت، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۱ش؛ **تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)**: الثعلبی (م. ۴۲۷ق.)، به کوشش ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق؛ **کنز الفوائد**: الکرآجکی (م. ۴۴۹ق.)، قم، مکتبة المصطفوی، ۱۴۱۰ق؛ **مجمع البیان**: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، به کوشش گروهی از

علماء، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛ **المستدرک علی الصحیحین**: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ **المعجم الوسیط**: ابراهیم انیس و دیگران، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ش؛ **مناقب آل ابی طالب**: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، به کوشش گروهی از اساتید، نجف، المکتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ **المیزان**: الطباطبایی (م. ۱۴۰۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ **نهج الایمان**: ابن جبر (م. قرن ۷)، به کوشش الحسینی، مشهد، مجتمع امام هادی علیه السلام، ۱۴۱۸ق.

محمد مهدی فیروزمهر



آیه‌های مدنی ← سوره‌های مدنی

آیه‌های مکی ← سوره‌های مکی

آیه هجرت: نود و هفتمین آیه سوره نساء،

دربدارنده حکم هجرت

در این آیه به سرنوشت شوم کسانی اشاره شده که در ظاهر مسلمان بودند؛ اما هجرت نکردند و سرانجام در صفوف مشرکان جان سپردند. آنان در حالی که به نفس خویش ستم روا داشته‌اند، در پاسخ به فرشتگان قبض روح کننده، علت هجرت نکردنشان را استضعاف و زیر فشار بودن خویش می‌شمرند. اما عذر آنان پذیرفته نمی‌شود؛ با این استدلال

که سرزمین خداوند پهناور است و برای حفظ دین باید هجرت کرد: ﴿إِنَّ الدِّينَ تَوْفَاقُهُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾. (نساء/ ۴، ۹۷)

در پی بیعت عقبه* میان پیامبر گرامی ﷺ و گروهی از مردم مدینه، زمینه هجرت بسیاری از مسلمانان به آن شهر، پیش از هجرت رسول خدا ﷺ فراهم شد.^۱ با هجرت ایشان به مدینه، صف مؤمنان از مشرکان به روشنی جدا گشت. از این رو، آیه ۹۷ نساء/ ۴ که به آیه هجرت معروف است^۲، پس از غزوه بدر درباره گروهی نازل شد که در مکه اسلام آوردند و هجرت نکردند.^۳

روایت‌های شأن نزول این آیه، مختلفند:

۱. گروهی در مکه به خدا و رسولش ایمان آوردند؛ اما از هجرت با ایشان تخلف کردند و به سبب تهدید سران قریش که هر کس با آنان به سوی بدر حرکت نکند خانه‌اش خراب و اموالش مصادره خواهد شد^۴، گروهی از آنان همراه مشرکان به جنگ بدر رفتند و به دست

مسلمانان کشته شدند. پس از جنگ، مسلمانان با این پندار که این گروه از مسلمانان با کراهت در صف مشرکان قرار گرفته و کشته شده‌اند، برای آنان استغفار کردند. بدین جهت آیه هجرت نازل شد^۵ و از حال آنان خبر داد.^۶ بر پایه گزارشی، از سوال و جواب فرشتگان قبض روح کننده از این افراد، برمی آید که آنان مسلمان بوده‌اند؛ گرچه بر اثر ترک هجرت، قرآن از آنان به ﴿ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ﴾ تعبیر می‌کند. اگر آنان مسلمان نبودند، چنین پرسش‌هایی از آنان نمی‌شد.^۷

۲. بر پایه گزارشی دیگر، گروهی در مکه اظهار ایمان کردند؛ اما هنگام مشاهده کم شمار بودن مسلمانان در غزوه بدر دچار تردید شدند و پنداشتند که مسلمانان به واسطه دینشان دچار غرور گشته‌اند.^۸ از این رو، به گفته مفسران مقصود از ﴿ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ﴾ در آیه هجرت، کفر آنان است^۹ که سرانجام در حال ارتداد کشته شدند و آیه هجرت درباره آن‌ها نازل شد.^{۱۰}

۵. جامع البیان، ج ۵، ص ۳۱۶؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۰۵.

۶. جامع البیان، ج ۵، ص ۳۱۵-۳۱۶؛ تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۳۴۵.

۷. المحرر الوجیز، ج ۲، ص ۱۰۰؛ تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۳۴۶.

۸. مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۵۰؛ روض الجنان، ج ۶، ص ۷۸؛ فتح

القدر، ج ۱، ص ۵۰۱.

۹. التبیان، ج ۳، ص ۳۰۳؛ مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۵۱؛ التفسیر

الکبیر، ج ۱۱، ص ۱۲.

۱۰. تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۳۴۵.

۱. الطبقات، ج ۱، ص ۲۲۵؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۹۶؛ تاریخ

یعقوبی، ج ۲، ص ۳۷.

۲. جامع البیان، ج ۵، ص ۳۱۵-۳۱۶؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۰۵-۲۰۶.

۳. البداية و النهایه، ج ۳، ص ۳۶۰؛ روح المعانی، ج ۳، ص ۱۲۱.

۴. البداية و النهایه، ج ۳، ص ۳۶۰؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۰۵.

بر پایه نقل‌ها^۱ و روایتی از امام باقر (ع)^۲ کسانی که در غزوه بدر کشته شدند و آیه هجرت درباره آنان نازل شد، پنج نفر بودند: قیس بن فاکه بن مغیره، حارث بن زمعه، قیس بن ولید، ابوالعاص بن میته و علی بن امیه بن خلف.

۳. در غزوه بدر هنگامی که عباس عموی پیامبر (ص)^۳، عقیل و نوفل به دست مسلمانان اسیر شدند، رسول خدا (ص)^۴ به عباس فرمود تا فدیة آزادی خود و برادر زاده‌اش، عقیل، را پردازد. عباس پاسخ داد: ما به سوی قبله تو نماز گزاردیم و به آنچه تو شهادت دادی، شهادت دادیم. پیامبر (ص)^۵ فرمود: شما دشمنی کردید و با شما دشمنی شد. سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا...﴾. (نساء/ ۴، ۹۷)

آیه هجرت افزون بر بیان حال مسلمانان تارک هجرت و کیفیت برخورد فرشتگان مرگ با آن‌ها، در بردارنده حکم و جوب هجرت^۶ بر هر مسلمانی است که در زیستگاه خویش قادر به اقامه شعائر دین نباشد.^۷ از این

رو، با نازل شدن آیه هجرت، اصحاب رسول خدا (ص)^۸ در مدینه به کسانی که در مکه مسلمان شده و به مدینه هجرت نکرده بودند، نامه نوشتند که اقرار و اسلام ایشان پذیرفته نیست، مگر با هجرت.^۹ بر پایه گزارشی، پس از نزول آیه هجرت، رسول خدا افرادی را برای اعلان این آیه به مکه فرستاد.^{۱۰} برخی مفسران از آیات آیات ۹۷-۹۹ نساء/ ۴ به آیات هجرت تعبیر کرده‌اند.^{۱۱}

◀ منابع

البدایة و النهایة: ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک): الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ تاریخ الیعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ التبیان: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش العاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم): ابن کثیر (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق؛ التفسیر الکبیر: الفخر الرازی (م. ۶۰۶ق.)، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۱۳ق؛ تفسیر بغوی (معالم التنزیل): البغوی (م. ۵۱۰ق.)، به کوشش خالد عبدالرحمن، بیروت، دار المعرفه؛ تفسیر قرطبی (الجامع لاحکام القرآن): القرطبی (م. ۶۷۱ق.)، بیروت، دار احیاء التراث

۱. جامع البیان، ج ۵، ص ۳۱۷-۳۱۸؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۰۵؛ فتح القدر، ج ۱، ص ۵۰۴.
۲. التبیان، ج ۳، ص ۳۰۳؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۵۳۶.
۳. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۴۵؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۰۶.
۴. الکشاف، ج ۱، ص ۵۵۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۳۴۶؛ الصافی، ج ۱، ص ۴۹۰.
۵. جامع البیان، ج ۴، ص ۳۱۷-۳۱۸؛ الکشاف، ج ۱، ص ۵۵۵؛ المنیر، ج ۵، ص ۲۲۹.

۶. تفسیر بغوی، ج ۱، ص ۴۶۹؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۲۰۵.
۷. الکشاف، ج ۱، ص ۵۵۵.
۸. مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۵۲.

العربي، ١٤٠٥ق؛ تفسير نور الثقلين: العروسي الحويزي (م.١١٢ق.)، به كوشش رسولي محللاتي، اسماعيليان، ١٣٧٣ش؛ جامع البيان: الطبري (م.٣١٠ق.)، به كوشش صدقي جميل، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ الدر المنثور: السيوطي (م.٩١١ق.)، بيروت، دار المعرفه، ١٣٦٥ق؛ روح المعاني: الأوسى (م.١٢٧٠ق.)، به كوشش على عبدالباري، بيروت، ١٤١٥ق؛ روض الجنان: ابوالفتوح رازي (م.٥٥٤ق.)، به كوشش ياحقي و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوي، ١٣٧٥ش؛ الصافي: الفيض الكاشاني (م.١٠٩١ق.)، بيروت، اعلمي، ١٤٠٢ق؛ الطبقات الكبرى: ابن سعد (م.٢٣٠ق.)، بيروت، دار صادر؛ فتح القدير: الشوكاني (م.١٢٥٠ق.)، بيروت، دار المعرفه؛ الكشاف: الزمخشري (م.٥٣٨ق.)، مصطفى الباني، ١٣٨٥ق؛ مجمع البيان: الطبرسي (م.٥٤٨ق.)، بيروت، دار المعرفه، ١٤٠٦ق؛ المحرر الوجيز: ابن عطية الاندلسي (م.٥٤٦ق.)، به كوشش عبدالسلام، لبنان، دار الكتب العلميه، ١٤١٣ق؛ المنير: وهبة الزحيلي، بيروت، دار الفكر المعاصر، ١٤١١ق.

لطف الله خراساني

